



بررسی نسبت جهانی شدن با تربیت دینی

رضا رضایی زارچی*
اکبر رهنما**

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۹/۲۱

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۱۱/۲۸

چکیده:

جهانی شدن از پدیده‌های شاخص زمان حاضر است که ماهیت آن به واسطه سیال و در حال تحول بودن و همچنین، تازگی و جدید بودن مبهم است، با این وجود می‌توان آن را؛ فرآیند فشردگی فزاینده زمان و فضا که بواسطه آن مردم دنیا کم و بیش و به صورت نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند تعریف نمود. چالش‌های جهانی شدن بر همه ابعاد زندگی بشر و از جمله در تربیت دینی جاری، که بنیادی‌ترین آن، خصیصه ساخت شکنی است احاطه دارد.

در پژوهش حاضر نسبت جهانی شدن با تربیت دینی در چهار محور؛ جهانی شدن، تربیت دینی در عصر جهانی شدن، چالش‌های احتمالی جهانی شدن برای تربیت دینی و راهکارهای مقابله با چالش‌های احتمالی مذکور مورد بررسی قرار گرفته است. روش انجام پژوهش تحلیل اسنادی بوده و به منظور گردآوری داده‌های لازم جهت پاسخ‌گویی به سؤال‌های پژوهش کلیه اسناد موجود و مرتبط با موضوع جهانی شدن و تربیت دینی با استفاده از فرم گردآوری داده‌ها جمع‌آوری و با شیوه‌های کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، تربیت دینی، چالش و راهکار.

* کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش Email: rezarezaie80@yahoo.com

** استادیار دانشگاه شامد Email: rhnema_akbar43@yahoo.com



مقدمه

اشاعه اندیشه‌ها و کالا ایجاد کرد بنابراین جهانی شدن در بلند

مدت به هر حال استیلا خواهد یافت (عالی، ۱۳۸۱).

تعبیرات منفی گرایانه یا تک بعدی از پدیده جهانی شدن چندان

معقول و منصفانه نیست. این پدیده دارای ابعاد فرهنگی، علمی،

سیاسی و اقتصادی نیز هست و در معنای مثبت نوعی فرصت

انتقال تجارب و دستاوردهای موفق بخش‌های توسعه یافته جهان

به سایر بخش‌های جهانی و همچنین «تبادل فرهنگی» تمام ملل

است. به عبارت دیگر، درک استعماری و فرااستعماری از مقوله

جهانی شدن هر دو لازم است هر چند مسائلی وجود دارد که با

مقوله امپریالیسم ارتباط دارد (اسمیت، ۲۰۰۲).

سیر جهانی شدن ایجاب می‌کند که طرز تلقی ما نسبت به

جهان، انسان، علم، یادگیری و شیوه‌های آن و سایر عناصر مربوط

به تعلیم و تربیت تغییر کرده، دوباره توصیف شود. تعلیم و تربیت

به علت ارتباط متقابل و عمیقی که با حوزه‌های مختلف معرفت

و ارکان زندگی بشر دارد ناگزیر از تأثیر است و باید مطابق با

تحولات جامعه، تجدید ساختار یافته تا بتواند پاسخ‌گوی نیازها

و خواسته‌های افراد جامعه بوده و جامعه را در جهت تعالی سوق

دهد (عطاران، ۱۳۸۳).

تعلیم و تربیت در جامعه اسلامی ما از دیر باز با آموزه‌های

دینی آمیخته بوده و اکنون نیز در سطحی گسترده و عمیق از

آن متأثر می‌باشد (برخورداری، ۱۳۸۴). این نوع از تعلیم و تربیت

غالباً به علت دغدغه‌های اخلاقی و اعتقادی، سعی در دور نگه

داشتن افراد از انحرافات مختلف عقیدتی و اخلاقی داشته و به

نوعی «تربیت قرنطینه‌ای» را برقرار می‌سازد (باقری، ۱۳۸۰).

تربیت قرنطینه‌ای یا تحریمی نوعی از تربیت دینی است که

نه به جوامع اسلامی و نه به تاریخ معاصر منحصر است بلکه

این نوع از تربیت دینی در مکاتب و ادیان مختلف و در جوامع

گونگون در زمان‌های متفاوت بسته به شرایط جامعه اعمال

می‌شده است. در واقع اساس تربیت تحریمی ایجاد مرز و سپس

قرنطینه است. در این نوع از تعلیم و تربیت سعی بر آن بوده و

هست که با دور کردن افراد از محیط‌های نامطلوب و ایجاد خط

قرمز آنان را مصونیت بخشیده و امکان تحقق تربیت دینی را

فراهم سازند (عالی، ۱۳۸۱).

زمره‌های جهانی شدن^۱ از اوایل نیمه دوم قرن بیستم مطرح

شده است. در اوایل دهه ۶۰ میلادی «مک لوهان»^۲ بحث دهکده

جهانی را طرح نمود. وی بر این باور بود که با پیشرفت سریع

رسانه‌های جمعی به ویژه تلویزیون و گسترش روز افزون آن در

سراسر دنیا، جهان به مثابه یک دهکده واحد، به جامعه‌ی متحد

و یک دست تبدیل خواهد شد (کاستلز، ۱۳۸۰) که پیشرفت‌های

حیرت‌آور در عرصه فناوری‌های ارتباطات، زمان و فضا را در

آن بهم فشرد و آن را به صورت دهکده‌های الکترونیک، بدون

دغدغه‌های زمانی و مکانی برای انتقال و جابه‌جایی در خواهد

آورد (مهرمحمدی و صمدی، ۱۳۸۲).

از اواخر دهه هشتاد میلادی به خاطر تغییر و تحولاتی که

در نظام‌مندی‌های سیاسی کشورهای جهان به وقوع پیوست

این موضوع با شور و حرارت بیشتری دنبال شد (رابرتسون،

۱۳۸۰). در حقیقت بعد از فروپاشی شوروری سابق و شکست

مارکسیسم در اکثر کشورهای بلوک شرق و ایجاد کشورهای تازه

تاسیس (مشترک المنافع) وضعیت ژئوپولیتیکی جهان تغییراتی را

به خود دید که در نتیجه این تحولات جهان از حالت دو قطبی سابق

خارج و به دنبال این رخداد مهم تاریخی، مجدداً بحث نظم نوین

جهانی و «جهانی شدن» بر سر زبان‌ها افتاد (شمشیری، ۱۳۸۴).

علاوه بر تحولات جدید در جغرافیای سیاسی کشورها و

رواج دیدگاه‌های پست مدرنیستی، رشد روز افزون فناوری علوم

و ارتباطات (به ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی)، گسترش

روابط اقتصادی و بازرگانی کشورها (وضعیت تجارت جهانی)

و همچنین گشوده شدن مرز کشورها روی یکدیگر، نیز نظریه

جهانی شدن را تقویت نموده است (شمشیری، ۱۳۸۲).

جهانی شدن موضوعی است که به دلیل چند وجهی بودن،

دارای ابهامات و تعاریف متعدد است و از این رو ارائه تعریف جامع

و مانع از این پدیده که مورد قبول همه افراد جامعه باشد، مشکل

است (گل محمدی، ۱۳۸۱) ولی آنچه واضح است، جهانی شدن

مرزها و هویت‌ها را کم رنگ‌تر می‌کند و به مردم، کالا، اطلاعات،

عادت‌ها و هنجارها، بدون توجه به مرزها، اجازه جا به جایی

می‌دهد. از آنجا که نمی‌توان مرزهای نفوذناپذیری در مقابل

اندیشه‌های صاحب‌نظران در زمینه جهانی‌شدن و تربیت دینی است.

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه منابع و مراجع موجود مرتبط با پدیده جهانی‌شدن و همچنین تربیت دینی در جامعه اسلامی می‌باشد؛ به علاوه از آنجا که در پژوهش کلیه منابع و مراجع موجود و مرتبط با جهانی‌شدن و تربیت دینی مورد بررسی واقع شده، بنابراین نمونه گیری انجام نشده است.

ابزار گردآوری داده‌ها

در پژوهش حاضر به منظور گردآوری داده‌ها از فرم گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

شیوه تحلیل داده‌ها

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از تکنیک‌های تحلیل کیفی، طبقه‌بندی و در راستای بررسی سؤال‌های پژوهش تحلیل شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

بررسی سؤال اول پژوهش

اولین سؤال پژوهش عبارت بود از اینکه «جهانی‌شدن چیست؟»

در راستای بررسی سؤال مذکور باید اذعان داشت؛ در زبان انگلیسی "Globalization" و در زبان عربی «العولمة» کلمات معادل جهانی‌شدن یا جهان‌گرایی هستند. عام‌ترین تعریف از تمامیت پدیده نوینی که به نام جهانی‌شدن شناخته می‌شود را باید الگوی سرمایه‌دارانه اجتماعی کردن در ابعاد جهانی دانست (خسروی و ابراهیمی، ۱۳۸۲).

به نظر رابرتسون معنای جهانی‌شدن عبارتست از: در هم فشردن شدن جهان و تبدیل آن به یک مکانی واحد. او جهانی‌شدن را در یک فرآیند کم و بیش مستقل معرفی می‌کند که منطق، جهت و نیروی محرک خود را دارد (رابرتسون، ۱۳۸۰).

پراتون جهانی‌شدن را فرآیندی از تحول می‌داند که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کمرنگ کرده، ارتباطات را گسترش داده و تعامل فرهنگ‌ها را افزون می‌نماید. به نظر وی جهانی‌شدن پدیده‌ای چند بعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیت‌های

صورت‌های گوناگونی از تربیت تحریمی در تاریخ ایران جریان داشته است. اولین واکنش مجامع مذهبی، روحانیون و متولیان دینی به نظام تربیتی جدید، تحریم بود. آنان استفاده از مظاهر فرهنگ غرب از جمله مدرسه‌ی جدید را تحریم، و از رواج اخلاقیات غربی توسط مدرسه‌های جدید ابراز نگرانی نمودند (براند، ۱۳۷۹).

با نظر به خصیصه عصر حاضر و ظهور ارتباطات در شکلی که هر روز گسترده‌تر می‌شود، تقوای پرهیز در برخی قلمروها اساساً ناممکن می‌گردد. فضاهایی که بر ما تحمیل می‌شود، امکان پرهیز را پیشاپیش از ما می‌گیرند (همان: ۱۷۷).

بنابراین و با عنایت به مباحث فوق مسئله اساسی پژوهش حاضر، پیرامون تعامل جهانی‌شدن و تربیت دینی در جامعه اسلامی ایران بوده و در این راستا چهار سؤال پژوهشی ذیل طرح و مورد بررسی واقع شده است:

۱. جهانی‌شدن چیست؟
۲. چالش‌های احتمالی جهانی‌شدن برای تربیت دینی چیست؟
۳. تربیت دینی چیست؟ و آیا می‌توان در عصر جهانی‌شدن از تربیت دینی صحبت کرد؟
۴. راهکارهای مقابله با چالش‌های احتمالی جهانی‌شدن در حوزه تربیت دینی چیست؟

روش پژوهش

در پژوهش حاضر کلیه اسناد و مدارک مرتبط با پدیده جهانی‌شدن و همچنین تربیت دینی در جامعه اسلامی گردآوری و در راستای سؤال‌های پژوهش مورد بررسی واقع شده است. از این رو، روش انجام پژوهش تحلیل اسنادی بوده است. در پژوهش اسنادی سعی می‌شود، کلیه اسناد و مدارک موجود مرتبط با موضوع پژوهش به منظور پاسخ‌گویی به سؤال پژوهش مورد استفاده قرار گیرد (بست، ۱۳۷۹). از طرف دیگر روش تحقیق حاضر را بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها می‌توان توصیفی-تحلیلی نامید؛ زیرا از یک سو در پی توصیف و شناخت شرایط موجود و یاری رساندن به فرآیند تصمیم‌گیری است (توصیف) و از سوی دیگر در استخراج مفاهیم اصلی، کشف خطوط اصلی

اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فناوری است و همچنین فعالیت‌های اجتماعی همچون کوشش برای سلامت محیط زیست را متأثر می‌کند (بهکیش، ۱۳۸۰).

از دیدگاه مک‌گرو جهانی‌شدن عبارتست از: برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و جوامع که به ایجاد جهانی کنونی می‌انجامد و نیز فرآیندی است که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان می‌تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در بخش‌های کاملاً دور کره زمین داشته باشد (مک‌گرو، ۱۹۹۲).

هلد نیز معتقد است که در یک تعریف شهودی، جهانی‌شدن

جدول شماره ۱: مقایسه دیدگاه‌ها در تعریف جهانی‌شدن

صاحب‌نظر / مؤلف	تلفی از مفهوم جهانی‌شدن
رابرتسون ^۱ ، ترجمه پولادی، ۱۳۸۰	معنای جهانی‌شدن عبارتست از در هم فشردن جهان و تبدیل آن به یک مکانی واحد.
پراتون ^۲ به نقل از بهکیش، ۱۳۸۰	جهانی‌شدن را فرآیندی از تجول می‌داند که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کم‌رنگ کرده، ارتباطات را گسترش داده و تعامل فرهنگ‌ها را افزون می‌نماید.
مک‌گرو ^۳ ، ۱۹۹۲	فرآیندی است که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان می‌تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در بخش‌های کاملاً دور کره زمین داشته باشد.
هلد ^۴ به نقل از مانور و کیلن ^۵ ، ۲۰۰۰	روندی است که از جریان یافتن رو به افزایش کالا، پول، مردم، اطلاعات و فرهنگ برای مردم، اطلاعات و فرهنگ برای مردم، اطلاعات و فرهنگ برای مردم می‌گردد.
مارتین آلبرو ^۶ ، ۱۹۹۶	فرآیندی است که بر اساس آن، همه مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر به هم می‌پیوندند.
واترز ^۷ ، ۱۹۹۵	فرآیندی اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین می‌رود.
گیدنز و هاتون ^۸ ، ۲۰۰۱	جهانی‌شدن را به معنای فشردگی روابط اجتماعی بین‌المللی می‌داند به گونه‌ای که رویدادهای محلی در مناطق دور دست تحت تأثیر رویدادهای مناطق بسیار دورتر و بالعکس رخ می‌دهند.
هاروی ^۹ ، ۱۹۸۹	جهانی‌شدن به معنای تجربه متفاوتی از زمان و فضا یا فشردگی زمان و فضا می‌باشد.
شولت ^{۱۰} ، ۲۰۰۰	جهانی‌شدن پوششی است که طی آن ساختارهای اجتماعی مدرنیته (سرمایه‌داری، عقلگرایی، صنعتی شدن و...) در سرتاسر جهان گسترش می‌یابد و فرهنگ‌های قدیمی و بومی نابود می‌گردند.
مارتین خور ^{۱۱} (شولت، ۲۰۰۰)	جهانی‌شدن همان چیزی است که چندین قرن در جهان سوم «مستعمره‌سازی» خوانده می‌شد. به این ترتیب مفهوم جهانی‌شدن در عواملی همچون اقتصاد، مدرنیته و ارتباطات جهانی جست‌وجو می‌شود.
والرشتین ^{۱۲} ، ترجمه بیروز ایزدی، ۱۳۷۸	شکل‌گیری شبکه‌هایی که طی آن اجتماعاتی که پیش از این در کره خاکی، دور افتاده و منزوی بودند، در وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند.
کاستلز ^{۱۳} ، ترجمه احمد علی قلیان و افشین خاکباز، ۱۳۸۰	جهانی‌شدن را ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای می‌داند که در ادامه حرکت سرمایه‌داری، رهنه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را در بر می‌گیرد.
وودباری ^{۱۴} ، ۲۰۰۱	جهانی‌شدن تغییرات ساختاری است که در فرایند تولید و توزیع اقتصاد جهانی رخ می‌دهد.

- 1- Robertson
- 2- perraton
- 3- Mcgreus
- 4- Held
- 5- maour and killen
- 6- Martin Alberow
- 7- waters

- 8- Giddens and Hutton
- 9- Harvy
- 10- scholte
- 11- khor
- 12- wallerstein
- 13- castells
- 14- wood barry

نیز افزایش ارتباطات جهانی به گونه‌ای که مرزهای ملی کشورها قادر به جلوگیری از این ارتباطات نیستند تعبیر می‌گردد (شولت، ۲۰۰۰).

بر اساس دیدگاه‌های ارائه شده، می‌توان اشتراکات چندی را از میان تمامی این دیدگاه‌ها و برداشت‌های مختلف درباره جهانی شدن اتخاذ کرد:

۱. جهانی شدن یعنی گسترش مؤلفه‌های مدرنیته در سطح جهان.

۲. جهانی شدن یعنی حرکت آزادانه سرمایه در گستره جهانی.

۳. جهانی شدن یعنی از بین رفتن مفهوم مرزهای فعلی.

۴. جهانی شدن یعنی محدود شدن میزان اقتدار حاکمیت‌های جهان.

۵. جهانی شدن یعنی کوچک شدن جهان در اثر پیشرفت وسایل ارتباطات جهانی و گسترش اطلاعات در سطح جهان.

بنابراین گرچه ارائه تعریفی جامع و مانع از جهانی شدن بسیار دشوار است (دهشیری، ۱۳۷۹) با این حال و براساس وجوه مشترک ذکر شده تعریفی از جهانی شدن ارائه می‌کنیم که محور پژوهش حاضر باشد.

«جهانی شدن عبارتست از: فرآیند فشردگی فرآینده زمان و فضا که بواسطه آن مردم دنیا کم و بیش و به صورت نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند» (گل محمدی، ۱۳۸۱).

بین‌المللی می‌داند به گونه‌ای که رویدادهای محلی در مناطق دور دست تحت تأثیر رویدادهای مناطق بسیار دورتر و بالعکس رخ می‌دهند (گیدنزو هاتون، ۲۰۰۱).

هاروی بحث از فرآیند جهانی شدن را بر مفهوم محوری فضا و زمان استوار می‌سازد. از دیدگاه او جهانی شدن به معنای تجربه متفاوتی از زمان و فضا یا به قول او فشردگی زمان و فضا می‌باشد.

برخی نیز جهانی شدن را معادل «غرب سازی» یا «تجدد» بویژه در شکل آمریکایی آن دانسته‌اند. در این معنا

جهانی شدن پوششی است که طی آن ساختارهای اجتماعی مدرنیته (سرمایه‌داری، عقل‌گرایی، صنعتی شدن و...) در سرتاسر

جهان گسترش می‌یابد و فرهنگ‌های قدیمی و بومی نابود می‌گردند. در این معناست که گاهی جهانی شدن را امپریالیسم

مک دونالد، هالیوود و سی‌ان‌ان نام نهاده‌اند البته این تعبیر بیشتر در مباحث مربوط به امپریالیسم استعماری مطرح می‌گردد

که در این زمینه جهانی شدن را با فرآیند همگون‌سازی مرتبط می‌دانند (شولت، ۲۰۰۰).

خور معتقد است که جهانی شدن در این معنا، همان چیزی است که چندین قرن در جهان سوم «مستعمره‌سازی» خوانده

می‌شد. به این ترتیب مفهوم جهانی شدن در عواملی همچون اقتصاد، مدرنیته و ارتباطات جهانی جست‌وجو می‌شود.

و جهانی شدن به معنای فراگیر شدن اقتصاد سرمایه‌داری در جهان یا فراگیر شدن اصول مدرنیته در سطح جهان و

جدول شماره ۲: چالش‌های جهانی شدن برای تربیت دینی

صاحب‌نظر / مولف	چالش‌های جهانی شدن برای تربیت دینی
ولایتی، ۱۳۸۱	تحمیل سکولاریسم (دنیاگرایی) بر جوامع مختلف که طی آن دین و تربیت دینی رنگ خود را از دست می‌دهد.
سجادی، ۱۳۸۲	غلبه یک فرهنگ معین بر سایر فرهنگ‌ها که باعث می‌شود ارزش‌های سنتی و دینی جامعه ما نیز روز به روز دستخوش فرایند جهانی شدن قرار گیرد که این وضعیت تهدیدی برای برنامه‌های تربیت دینی در این عصر می‌باشد.
اسماعیلی یصحانی، ۱۳۸۲	مصرف‌گرایی مدبرستی و شی‌پرستی که توسط تجارت آزاد و جهانی افزایش داشته تمایل به ایمان معنوی و رشد فرهنگی انسان را عمیقاً تضعیف می‌کند.
سجادی، ۱۳۸۲	جهانی شدن رستگاری و سعادت بشری را با مفهوم قرارداد اجتماعی به عنوان مبنای اساسی لیبرالیسم پیوند می‌زند؛ درحالی‌که سعادت و رستگاری فرد و جمع از نظر اسلام در چارچوب ارزش‌ها و هنجارهای دینی مورد توجه قرار می‌گیرند. جهانی شدن با ترویج نظام ارزشی خاص، این مقوله دین را به چالش وا می‌دارد و تهدیدی از این جنبه متوجه تربیت دینی است.

نادرپور، ۱۳۸۱

فرهنگ فعلی حاکم بر انواع ابزارهای ارتباطی به ویژه اینترنت و ماهواره برای کاربرانی که بنیه فکری قابل توجهی نداشته باشند، «هویت‌زا» است نه «هویت‌ساز»؛ چراکه «ارزش‌های زندگی» که دین مطرح می‌کند بر آن حاکم نیست. «هویت انسانی» قربانی «هویت ماشینی» شده است این امر آموزش آموزه‌ها و تعالیم دینی را در نظام آموزشی رسمی تهدید می‌کند.

بررسی سؤال دوم پژوهش

دومین سؤال پژوهش عبارت بود از اینکه «چالش‌های احتمالی جهانی‌شدن برای تربیت دینی چیست؟»

با عنایت به تعریف ارائه شده از جهانی‌شدن، متوجه خواهیم شد که این پدیده چالش‌های عمده‌ای را برای تربیت دینی ایجاد می‌کند که مهم‌ترین و در حقیقت بنیادی‌ترین چالش جهانی‌شدن برای تربیت دینی «خصیصه ساخت‌شکنی» آن است.

این چالش عبارت است از اینکه ساختارهای عینی و مفهومی‌ای که تاکنون با آنها همراه بوده‌ایم و با نظر به آنها تربیت دینی خود را سامان داده‌ایم، در برابر موج ساخت‌شکنی انقلاب ارتباطات متزلزل می‌گردند. در نتیجه نظام تربیت دینی متناسب با آن نیز در معرض این تزلزل قرار خواهد گرفت، از جمله ساختارهای واقعی و مفهومی متقابل، که برای تربیت دینی و اخلاقی اهمیت داشته‌اند می‌توان از ساختارهای «دور - نزدیک» و نیز «ممنوع - مجاز» نام برد.

الف) ساختار «دور - نزدیک»

این ساختار در مورد تقابل مکانی است و از نظر تربیتی به ویژه تربیت دینی مهم بوده است؛ زیرا تلاش‌های تربیتی بر آن بوده تا با دور کردن افراد از محیط‌های نامطلوب آنان را مصونیت بخشند و امکان تحقق تربیت را فراهم آورند اما در عصر ارتباطات این تقابل از بین می‌رود و با شکستن این ساختار دیگر تقابل میان دور و نزدیک وجود نخواهد داشت؛ زیرا دیگر فاصله‌های مکانی مانع دسترسی نیستند.

ب) ساختار «ممنوع - مجاز»

این ساختار نیز تاکنون از لحاظ تربیتی مهم بوده است. در گذشته پدران و مادران به بچه‌ها اجازه نمی‌دادند صحنه‌های خشونت‌آمیز و غیراخلاقی را مشاهده کنند، اما پا به پای رشد و توسعه وسایل ارتباطی، استحکام این ساختار رو به ضعف گذاشته است.

شکسته شدن مرزها و ساختارهای تقابلی مذکور، با توجه به مباحث اخلاقی و دینی بسیار مهم است؛ زیرا تربیت دینی و اخلاقی به طور جدی، با حدود و مرزها سروکار دارد و اگر مرزی وجود نداشته باشد آدمی می‌تواند به هر کاری مبادرت ورزد و در این صورت سخن گفتن از تربیت دینی و اخلاقی

میسر نخواهد بود. اخلاق همیشه با «باید» و «نباید»ها سروکار دارد و در تربیت دینی واژه‌های «واجب» و «حرام» واژه‌هایی اساسی‌اند. بدین منوال تربیت دینی و اخلاقی با مرزها و حدود سروکار دارد. در اینجا است که با این چالش روبه‌رو می‌شویم. آیا در عصر ارتباطات با نظر به خصیصه ساخت‌شکنی آن، می‌توان از تربیت دینی و اخلاقی صحبت کرد؟ پاسخ سؤال مثبت است و در ادامه بحث در پی تحلیل این سؤال می‌باشیم (باقری، ۱۳۷۹ و شاه سنایی، ۱۳۸۱).

بررسی سؤال سوم پژوهش

سومین سؤال پژوهش عبارت بود از اینکه «تربیت دینی چیست و آیا در عصر جهانی‌شدن می‌توان از تربیت دینی صحبت کرد؟»

در راستای بررسی سؤال مذکور باید اذعان داشت؛ پاسخ به سؤال فوق مستلزم تحلیل مفاهیم «تربیت»، «دین» و «دینی بودن» می‌باشد که می‌بایست مفهوم هر کدام از آنها را مشخص کنیم و سپس با توجه به این مفاهیم و شرایط زمانی و مکانی و متناسب با نیازهای انسان معاصر تصویری از تربیت دینی را ارائه کنیم به گونه‌ای که ظرفیتی برای حضور موثر و متناسب به فضای این عصر داشته باشد. بنابراین ابتدا به بررسی مفهوم تربیت خواهیم پرداخت.

الف) تربیت

چنانکه می‌دانیم برای واژه تربیت تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است که هر یک متأثر از مکتب یا رویکرد فلسفی، تربیتی و حال و هوای فرهنگی حاکم بر نظریه‌پردازی است که درصدد توصیف این مفهوم برآمده است. از نظر گاه واژه‌شناختی زبان عربی، تربیت از باب تفعیل و بیانگر تأثیری یک جانبه در فراگیر است؛ یعنی متربی، یک ایده، منش و رفتاری را از مربی فرامی‌گیرد و می‌پذیرد. فرایندی که طی آن، مربی، با توجه به نگرش‌ها، بینش‌ها و جنبه‌های خاص تربیتی خود، می‌کوشد متربی را به سمتی سوق دهد (شاملی، ۱۳۸۶).

اما باید ببینیم که آیا این تعریف برای اینکه هم تربیت را مشخص کند و هم آن را از شبه تربیت متمایز سازد کافی است؛ پاسخ منفی است؛ زیرا سوق دادن متربی به روش‌های گوناگونی



مثال؛ معلم فیزیک یا ریاضی امری را بیان می‌دارد و یادگیرنده نیز بدون اینکه دلیل صحت یا انجام یک مهارت را درک کند آنچه را به او گفته شده می‌پذیرد (شریعتمداری، ۱۳۷۸).

۳. تحمیل: بر زور استوار است. با واداشتن افراد به کاری و مجازات نمودن آنها در صورت تخلف، می‌توان شاهد انجام آن کار توسط آنها بود، اما تحمیل نیز تربیت نیست. بلکه این تصور است که هریک از سه روش مذکور بنیان اصلی تربیت محسوب می‌شوند (شریعتمداری، ۱۳۷۸).

اکنون باید ببینیم که معنای تربیت حقیقی چیست و وجود چه عناصری در آن لازم است؟ در مقام پاسخ از چهار مؤلفه یا مشخصه برای تربیت سخن خواهیم گفت.

۱. تبیین: مراد از تبیین این است که فرد خود نسبت به تغییراتی که قرار است در وی ایجاد شود بصیرت و آگاهی یابد. به این ترتیب، مربی تنها به ایجاد تغییر در رفتار و حالات فرد نمی‌پردازد بلکه باید علاوه بر آن، بینشی در فرد نسبت به تغییرات فراهم آورد. این مؤلفه تربیت را از شبهه تربیت تفکیک می‌کند به طوری که در عادت، تلقین و تحمیل، تنها شرایطی را ایجاد

صورت می‌گیرد که از لحاظ تربیتی همه آنها قابل قبول نیستند. بنابراین می‌بینیم که ملاحظه روشی را نمی‌توان از مفهوم تربیت برکنار دانست، مفهوم تربیت آنقدر انعطاف پذیر نیست که ما را از لحاظ روشی محدود به حدی نکند. برای شبهه تربیت سه مشخصه بارز «عادت»، «تلقین» و «تحمیل» است.

۱. عادت: عادت بر تکرار استوار است «فرد بدون توجه و آگاهی به تکرار امری می‌پردازد و همین امر خود به خود او را به فراگیری مطلبی خاص یا مهارتی معین قادر می‌نماید. این نوع فراگیری همانطور که گفته شد با درک و فهم توأم نیست و فرد تنها در اثر تکرار، امری را به ذهن خود وارد می‌سازد یا مهارتی را کسب می‌کند» (باقری، ۱۳۷۹).

در اینجا هر چند توانسته‌ایم تغییرات مطلوب را ایجاد کنیم، اما با نظر به ویژگی‌های تربیت - که در ادامه مورد توجه قرار خواهد گرفت - نمی‌توان آن را تربیت دانست.

۲. تلقین: تلقین بر هیبت استوار است. هنگامی که کسی سخنی یا اندیشه‌ای را نه به سبب استواری و معقولیت آن، بلکه به دلیل هیبت گوینده می‌پذیرد تن به تلقین داده است به طور

جدول شماره ۳: تلقی‌های متفاوت از مفهوم تربیت

صاحب نظر / مؤلف	تلقی‌ها در مفهوم تربیت
نقیب زاده، ۱۳۸۱	تربیت همانا کشاندن آدمی به سوی ارزش‌های والای انسانی، چنانکه آن ارزش‌ها را بفهمد، بپذیرد، دوست بدارد و عمل کند.
زارعان، ۱۳۷۹	تربیت شکوفاسازی توانایی‌های فرد در ابعاد مختلف
برخورداری، ۱۳۸۴	تربیت عبارتست از جهت دادن و تنظیم افکار، امیال و رفتارها و جلوگیری از ترکیب ناپجا، رشد ناپجا و حذف ناپجای آنها متناسب با شرایط موجود برای رسیدن به وضع مطلوب
دلشادتهرانی، ۱۳۷۸	تربیت عبارتست از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود.
روایت، ۲۰۰۱	تربیت عبارتست از توسعه شخصیت یا قدرت روحی و تربیت کردن عبارت است از دادن آموزش عقلانی، اخلاقی و اجتماعی

جدول شماره ۴: شاخص‌های عملکرد تربیتی

صاحب نظر / مؤلف	شاخص‌های عملکرد تربیتی
باقری، ۷۹	تبیین: یعنی فرد خود نسبت به تغییراتی که قرار است در وی ایجاد شود بصیرت و آگاهی یابد.
باقری، ۷۹	معیار منظور از قواعد کلی است که اعمال و رفتار را بر حسب آن می‌سنجند.
شریعتمداری، ۷۸	تحرك درونی: موتور حرکت در خود مربی قرار دارد و فرد انگیزه‌های عمل خود را به صورت روشن ملاحظه می‌کند.
شریعتمداری، ۷۸	نقادی: مربی شخصاً به بررسی و انتقاد می‌پردازد و آنچه را منطقی و مستدل تشخیص داد می‌پذیرد.

است (باقری، ۱۳۷۹).

۳. تحرک درونی: سومین مؤلفه تربیت، تحرک درونی در فرد متربی است. در عادت، تلقین و تحمیل به وضوح مشخص است که موتور حرکت در بیرون از فرد قرار دارد و او به یک ظرف توخالی شبیه است که قرار است چیزی در آن ریخته شود و در مقابل تربیت فرآیندی است که در آن فرد انگیزه‌های عمل خود را خود به صورت روشن و باز ملاحظه می‌کند (شریعتمداری، ۱۳۷۸).

۴. نقادی: هنگامی که تربیت مستلزم تبیین، به دست دادن معیارها و حرکت درونی باشد به طور طبیعی مشخصه چهارم یعنی نقادی آشکار می‌گردد «متربی شخصا به بررسی و انتقاد می‌پردازد و آنچه را منطقی و مستدل تشخیص داد می‌پذیرد» (شریعتمداری، ۱۳۷۸). این ویژگی نیز تربیت را از شبه تربیت جدا می‌سازد. در عادت، تلقین و تحمیل چون معیار به دست نمی‌آید امکان نقد هم میسر نیست.

ب) دین و تدین

پس از اینکه مفهوم تربیت را توضیح دادیم و با خصوصیات تربیت آشنا شدیم برای اینکه بتوانیم به بحث تربیت دینی بپردازیم به مفاهیم دین و دینی بودن پرداخته‌ایم که دین در این پژوهش عبارت است از: مجموعه‌ای از مطالب که جنبه توصیفی و تجویزی دارند و باید و نباید در آنها مطرح است. به مجموعه گزاره‌های توصیفی و تجویزی که برای اداره امور فردی و اجتماعی انسان‌ها و تأمین سعادت دنیا و آخرت آنها از طرف

می‌کنیم که فرد در معرض کاری قرار گیرد و آن کار رخ دهد. اما لازمه تربیت آن است که منطق و ماهیت تغییرات برای فرد روشن شود، تربیت براساس اصل «چرا برادر» است و این چرایی نه به صورت انفعالی بلکه به شکل فعال انجام می‌شود، یعنی ما منتظر نمی‌شویم برای فرد سؤالی به وجود آید بلکه خود جریان ترتیب متضمن تبیین است (باقری، ۱۳۷۹).

۲. معیار: این عنصر در واقع بسط مؤلفه پیشین یعنی تبیین است. دامنه تبیین از روشن ساختن دلیل و حکمت یک رفتار یا حالت معین تا به دست دادن قواعد و معیارهای کلی گسترش می‌یابد؛ آنچه در مؤلفه اول یعنی تبیین مطرح بود روشن ساختن دلیل و حکمت رفتار یا حالت معینی است که می‌خواهیم در فرد ایجاد کنیم اما در مؤلفه دوم قواعد کلی در نظر است که اعمال و رفتار را بر حسب آنها می‌سنجیم. معیارها می‌توانند هر نوع وضعیت مطلوب و نامطلوب را در جریان تربیت مشخص کنند. این مؤلفه نیز تربیت را از شبه تربیت متمایز می‌سازد. در عادت، تلقین و تحمیل معیار به دست نمی‌آید و ضرورتی هم برای این کار وجود ندارد بلکه ممکن است در مواردی حتی اصراری برای مخفی نگه داشتن قواعد و معیارها هم در میان باشد؛ برای مثال در تلقین که بر هیبت تلقین‌کننده استوار است، مطلوب آن است که چهره وی همواره در هاله‌ای از ابهام قرار داشته در صورتی که در جریان تربیت، چیزی میان مربی و متربی پنهان نیست، معیارها به صورت متقابل بیان و تبیین می‌شود و فرد از آنها اطلاع پیدا می‌کند؛ در واقع ارائه معیارها بخشی از کار تربیت

جدول شماره ۳: تلقی‌های متفاوت از مفهوم تربیت

صاحب‌نظر / مؤلف	تلقی‌ها در مفهوم دین
طباطبانی، ۱۳۶۳.	اراده تشریحی شارع که از طریق فرستادگان ویژه پیامبران جهت هدایت مردم نازل گشته است.
جوادی آملی، ۱۳۸۱.	دین مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور فردی و اجتماعی انسان‌ها و تأمین سعادت دنیا و آخرت آنها تدوین شده است.
کاشفی، ۱۳۸۲.	دین مجموعه حقایق هماهنگ از نظام اعتقادی، ارزشی و عبادی است که برای هدایت و تعالی انسان در دو قلمرو فردی و اجتماعی وی، توسط رسولان الهی از جانب پروردگار در قالب وحی ارسال شده است.
کاشفی به نقل از رونالد م گرین	دین متضمن اعتقادات، جهت‌گیری‌ها و عواملی است که بشر را به عوامل فوق طبیعی یا حقایق مقدس و متعالی مربوط می‌سازد.
مایکل پترسون ^۲ و دیگران، ترجمه احمد نراقی، ۱۳۷۷.	دین متشکل از مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و احساسات (فردی و جمعی) است که حول مفهوم حقیقت غایی سامان یافته است.



از جهان است. این تجربه، تجربه‌ای شهودی است که اعتبارش قائم به خود است و مستقل از مفاهیم و تصورات، اعتقادات یا اعمال می‌باشد. چون این تجربه نوعی «احساس» است و از حد تمایزات مفهومی فراتر می‌رود بنابراین ما نمی‌توانیم آن را توصیف کنیم، چون این یک تجربه «حسی و عاطفی است، نه معرفتی» (پترسون و دیگران، ۱۳۷۷).

۳. التزام درونی: تفاوت التزام درونی با تجربه درونی در این است که عنصر عاطفه و هیجان در تجربه درونی حضور و بروز چشمگیری دارد، اما در التزام، عنصر انتخاب بارز است. التزام درونی متضمن انتخاب نسبت به چیزی و پای‌بندی نسبت به آن است. یکی از لوازم متدین شدن، ظهور و بروز این بعد در درون انسان است یعنی؛ خود باید نسبت به خدا و آنچه خدا از او می‌خواهد ایمان بیاورد. فرد اگر این التزام قلبی و درونی را نسبت به خدا نداشته باشد، یعنی ایمان بر او حاصل نشده باشد، نمی‌توانیم صفت «دینی بودن» را بر او اطلاق کنیم.

۴. عمل: آخرین مؤلفه تدین عمل است یعنی اینکه فرد متدین کسی است که به اقتضای اعتقادات و ایمان به خدا اقدام به انجام عملی کند. تکرار «الذین آمنوا و عملوا...» در آیات فراوانی از قرآن نشان می‌دهد که لازم است فرد دیندار اعمال خاصی را انجام دهد و این اعمال مضمون همان گزاره‌های تجویزی هستند که اسم دیگرشان «احکام» است و فرد باید احکام دین را در اعمال خود آشکار کند و اعمال خود را تابع این احکام قرار دهد.

ج) تربیت دینی

پس از آشنایی با مفاهیم تربیت، دین و تدین به بررسی و

خدا به انسان داده شده است دین گفته می‌شود. و تدین یا دینی شدن ناظر به دگرگونی‌هایی است که این امر در وجود یک فرد ایجاد می‌کند.

مسئله این است که اگر قرار باشد فردی متدین شود، چه تغییراتی باید در وی رخ دهد؟ چهار مؤلفه اساسی در تدین یا دینی شدن قابل ملاحظه است:

۱. اعتقادی و فکری: یکی از دگرگونی‌های عمده و اساسی که در تدین باید در فرد رخ دهد این است که وی اعتقادات خاصی نسبت به گزاره‌های توصیفی که از طرف خدا به انسان داده شده نظیر «خدا یکی است» و «خدا شریک ندارد» و... ایجاد شود و اگر این اعتقاد پذیرفته شد می‌گوییم فرد دینی شده است. در این مؤلفه ملاحظات روشنی نهفته است؛ یعنی پیدا شدن این اعتقادات در فرد باید به صورتی انجام شود که وی آنها را فهمیده باشد و با روشن‌بینی عقلاتی نسبت به آنها متقاعد شده باشد. با نظر به همین نکته است که گفته می‌شود عقاید تحقیقی هستند و نه تقلیدی.

۲. تجربه درونی: در این مؤلفه، عنصر عاطفه بروز و ظهور چشمگیری دارد. تجربه درونی حکایت از التهاب‌ها و هیجان‌های درونی انسان دارد. شخصی که دین‌دار می‌شود لازم است یک رشته هیجان‌های درونی را تجربه کند که به طور غالب در ارتباط با مبدأ جهان ظهور می‌کند. مفاهیمی مانند: خوف، توکل، دعا که در ادیان مختلف و اسلام وجود دارد، ناظر به همین تجربیات درونی است. در این رابطه نیز فریدریک شلایر ماکس (۱۸۳۴-۱۷۶۸) ادعا کرد که «تجربه دینی» تجربه عقلی و معرفتی نیست بلکه احساس اتکای مطلق و یکپارچه به مبدأ و یا قدرتی متمایز

جدول شماره ۶: شاخص‌های انسان دینی

شاخص‌های انسان دینی	صاحب‌نظر / مؤلف
اعتقادی و فکری یعنی در فرد اعتقادات خاصی نسبت به گزاره‌های توصیفی که از طرف خدا دریافت می‌کند ایجاد شود و پیدا شدن این اعتقادات باید به صورتی باشد که فرد آنها را بفهمد.	باقری، ۱۳۷۹
تجربه درونی یعنی شخصی که دین‌دار می‌شود لازم است یک رشته هیجان‌های درونی را تجربه کند. در واقع این تجربه دینی، تجربه‌ای شهودی است که اعتبارش قائم به خود و مستقل از مفاهیم و تصورات، اعتقادات یا اعمال می‌باشد.	مایکل پترسون و دیگران، ترجمه احمد نراقی، ۱۳۷۷
التزام درونی متضمن انتخاب نسبت به چیزی و پایبندی نسبت به آن است؛ یعنی فرد دین‌دار باید نسبت به خدا و آنچه خدا از او می‌خواهد ایمان بیاورد.	باقری، ۱۳۷۹
عمل یعنی اینکه فرد متدین کسی است که به اقتضای اعتقادات و ایمان به خدا اقدام به انجام عملی کند.	زارعان، ۱۳۷۹

بررسی سؤال چهارم پژوهش

چهارمین سؤال پژوهش عبارت بود از اینکه «راهکارهای مقابله با چالش‌های احتمالی جهانی شدن در حوزه تربیت دینی چیست؟»

در راستای بررسی سؤال فوق باید کوشید به برخی راهکارها که در قالب تربیت دینی قابل اعمال بوده و تربیت دینی در صورت برخورداری از آنها می‌تواند با پدیده جهانی شدن به همزیستی مسالمت‌آمیزی دست یابد، ارائه شود:

۱. کاربرد اصل تعقل و پرهیز از سطحی‌نگری

از نظر اسلام انسان رشد یافته کسی است که اهل فکر و تشخیص باشد و اگر انسان فکر و اندیشه خود را به طرز صحیحی به کار گیرد و هدف او تنها درک حقیقت باشد، می‌تواند راه رستگاری را از سبیل گمراهی تشخیص دهد و به همین دلیل است که در قرآن آمده است: «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی» (۲۵۶ بقره) "در پذیرش دین هیچ اجباری نیست، هدایت از گمراهی مشخص شده است". اگر خوب به این آیه دقت کنیم و آن را دقیقاً بررسی نماییم نکته‌ای در آن نهفته است و آن اینکه عامل اصلی انحراف و گمراهی انسان‌ها؛ به کارنگرفتن فکر و اندیشه یا سطحی‌نگری است. اکنون ما در اینجا به دو مورد از آثار سطحی‌نگری اشاره می‌کنیم تا ضرورت به کارگیری تفکر عقلانی و منطقی بهتر مشخص شود.

اولین اثر سطحی‌نگری این است که اگر ما مسلمانان به افکار و معلومات سطحی بسنده کنیم برداشت ما از تعالیم دینی، سطحی و آمیخته با خرافات و بدعت‌ها خواهد بود. لازمه دستیابی به فرهنگ اصیل اسلامی، داشتن رشد فکری و پرهیز از هرگونه سطحی‌نگری است.

دومین اثر از آثار سطحی‌نگری این است که انسان در برابر افکار مخالف آسیب‌پذیر می‌شود. اگر چنین روشی در بین افراد یک ملت گسترش پیدا کند سبب می‌شود که آن ملت در برابر تهاجمات فرهنگی بیگانگان بی‌درنگ از پا درآید و گرفتار «از خود بیگانگی فرهنگی» شود؛ زیرا نمی‌تواند به ارزش آنچه خود در اختیار دارد پی ببرد. چنین ملتی همواره با نوعی بی‌اعتمادی

تحلیل تربیت دینی در عصر جهانی شدن پرداخته و متوجه شدیم که امروزه در نوشته‌های غربی در باب تربیت دینی معتقدند مفاهیم «تربیت دینی^۱» و «تربیت اخلاقی^۲» بحث «القاء و تلقین ارزش^۳» را تداعی می‌کند و متقابلاً هر جا سخنی از «تحمیل و القاء ارزش‌ها» به میان می‌آید، ذهن را به بحث «تربیت دینی و اخلاقی» سوق می‌دهد. گویا فرض بر این است که تربیت دینی به جز از طریق القاء کورکورانه میسر نیست و از آنجا که این القاء ناعادلانه و غیر صحیح است، پس باید تربیت دینی را متوقف ساخت و معتقدند دین به اتهام تشویق به پیروی از صاحبان حکم و قدرت^۴ وحی و القائات رهبران دینی، سرکوب عقلانیت، القاء ارزش‌های ثابت و لایتغیر، شست‌وشوی مغزی و عدم تسامح در مقابل دیگر ارزش‌ها و ایده‌ها می‌باشد و لاقلاً در سطح اجتماعی مقبولیت نداشته و حکومت و نظام تعلیم و تربیت تابع آن باید در قبال آن خنثی عمل نموده و از دخالت در آن پرهیز کنند.

حتی برخی از فیلسوفان فلسفه تحلیلی نظیر پاول هرست که در بستر اندیشه تحلیلی خویش در فلسفه تعلیم و تربیت به بحث «تربیت دینی» پرداخته‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که تعبیر تربیت دینی بی‌معنا و تناقض‌آمیز است.

اکنون ما با نظر به مؤلفه‌های تربیت و تدین می‌کوشیم تا نشان دهیم که در صورت ترکیب این مؤلفه‌ها می‌توان از تربیت دینی صحبت کرد و تربیت دینی در حالت ترکیب به این معنا خواهد بود که عناصر تدین، به گونه تربیتی و در رابطه‌ای از نوع تربیت؛ یعنی با توجه به چهار ویژگی تربیت تحقق یابند. به این ترتیب، تربیت دینی در مفهوم اصیل آن، به این معنا است که تدین، در ارتباطی از نوع تربیت در فرد شکل می‌گیرد؛ به عبارت دیگر مؤلفه‌های تدین باید در بستر تبیین، عرضه معیارها، تجربه درونی و نقادی جریان یابد و به نظر می‌رسد که تربیت دینی باید با همین ویژگی‌های اصلی خود در عصر جهانی شدن جلوه‌گر شود. در واقع پیراستن تربیت دینی از تلاش‌های شبه‌تربیتی یا بدفهمی‌های ما از دین، امکان توفیق تربیت دینی را در برابر چالش جهانی شدن فراهم می‌آورد.

1- Religious education
2- Moral education

3- Indoctrination
4- Authority

توحید است از خدا می پرسد چگونه مردگان را زنده می کند. خداوند از ابراهیم سؤال می کند «مگر ایمان نیاوردی؟» ابراهیم می گوید: «چرا ولی می خواهم قلبم آرامش یابد» و این آرامش با شهود و رویت حاصل می شود. در اصول اعتقادی عقلانیت کاملاً روشن است و مربی در تربیت دینی باید اصول بنیادی دین را بر پشتوانه عقلانی تکیه دهد و البته در عصر ارتباطات کارساده‌ای نیست. این عصر، سؤال‌های خاص خود را در برابر اعتقادات دینی نهاده است. اندیشه‌های مربوط به کثرت‌گرایی، پست‌مدرنیسم و نظیر آن، اعتقادات دینی را به گونه‌ای متفاوت با گذشته در برابر سؤال قرار می دهند. تربیت دینی مستلزم آن است که اعتقادات دینی در برابر این سؤال‌ها چهره‌ای عقلانی و مدلل داشته باشد تا بتواند در عصر ارتباطات موفق باشد. در عبادات و احکام نیز جنبه عقلانیت کاملاً آشکار است (باقری، ۱۳۷۹). این امر حتی در مورد تقلید از مرجع دینی نیز صادق است. اگر چه مفهوم تقلید به سبب تداعی آن با تقلید کورکورانه و مذموم، مورد بدفهمی قرار می گیرد، اما جنبه عقلانی آن قابل تبیین است. وظیفه اولیه فردی که دین را برگزیده و به آن اعتقاد یافته است، این است که احکام دینی را بازشناسی کند تا بتواند به آنها عمل کند. اما هنگامی که چنین امری برای فرد میسر نبود مانند سایر امور به متخصص در این زمینه رجوع کند. رجوع به متخصص در هر زمینه‌ای از لحاظ عقلی قابل قبول است. بنابراین هر فرد عادی صلاحیت بازشناسی احکام دینی را ندارد و باید بتواند با توسل به معیارهایی که صلاحیت علمی، دینی، اخلاقی و اجتماعی فقیهی را نشان می‌دهد به او رجوع کند و کار خود را در تشخیص احکام به او واگذارد و این سپردن کار به فرد صاحب صلاحیت، مفهوم اصلی واژه تقلید است، و تقلید در این معنا نه تنها مذموم نیست بلکه امری اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا همه افراد امکان فقیه شدن را ندارند. اما صرف نظر از نحوه دسترسی به احکام دین محتوای احکام نیز چهره‌ای عقلانی دارد (ملکی، ۱۳۸۰). در واقع هر یک از فروع دین با حکمتی روشن و حتی تصریح شده در متون دینی مطرح گردیده‌اند. به طور مثال روزه داشتن و از پاسخ به نیازهای اولیه خودداری کردن یک حکم الهی است که حکمت آن تسلط بر تمایلات فردی و در اختیار گرفتن آنها و مصون ماندن از لغزش آفرینی آنها است. با نظر به اینکه دلیل اصلی هر یک از

به خود می‌نگرد و در برابر دیگران به ورطه خودباختگی فرو می‌افتد و این بزرگترین خطری است که ملت‌ها و اقوام را تهدید می‌کند. از این‌رو، روی آوردن به تفکرات درست و منطقی در میان افراد یک ملت، بزرگترین سد دفاعی در برابر کسانی است که قصد به اسارت کشیدن آنها را دارند (سادات، ۱۳۸۰). اینجاست که اهمیت اصل تعقل و تفهیم آشکار می‌شود و از آنجایی که تعلیم و تربیت نیز تعهد به عقلانیت است بنابراین تربیت دینی نیز در این عصر باید بیش از هر زمان دیگر چهره عقلانی داشته باشد و از سطحی‌نگری پرهیز کند (زارغان، ۱۳۷۹)؛ زیرا در عصر ارتباطات، مبادله اطلاعات و نظرگاه‌های مختلف به آسانی صورت می‌پذیرد و حاصل آن می‌تواند بروز سؤال‌ها و تردیدهای فراوان در حجیت و اعتبار دین باشد و در چنین ورطه عظیمی از سؤال‌ها و تردیدها، دین‌ورزی و تربیت دینی هنگامی دوام می‌آورد که موجه و مدلل باشد نه آنکه امری سلیقه‌ای تلقی شود. توجه به مؤلفه عقلانیت - بویژه برای کسانی که می‌کوشند عبودیت را بنیاد دین معرفی کنند، به این تعبیر که دین و تربیت دینی، بر قبول بی‌چون و چرا استوار است - سوء تعبیری از دین و عبودیت است. عبودیت صرفاً پذیرش دین صوری نیست و پذیرش دین مستلزم فهم و عقلانیت است هنگامی که کسی امری را معقول یافت، اگر بخواهد عاقل بماند باید از آن تبعیت کند؛ به این معنی که تبعیت از امر معقول، معقول است. بنابراین عبودیت، نه در برابر عقلانیت، بلکه دربرگیرنده آن است. تربیت دینی در تمام حالات خود چه هنگامی که معطوف به اعتقادات و چه هنگامی که معطوف به عبادات و احکام است، جنبه عقلانی دارد. حضور عقلانیت در اعتقادات کاملاً برجسته است. اعتقادات که سنگ بنای تدین نیز محسوب می‌شود موجه و مدلل یافتن آنها ضروری و لازم است و نمی‌توان آن را به افراد تحمیل کرد و همچنین تقلید در اصول دین باطل است و رسیدن به یقین در آنها واجب است. این موضوع نشان می‌دهد که گذرنامه ورودی به اردوی موحدان، تحقیق و تفکر است و بدون آن نمی‌توان به اردوی موحدان وارد شد. به همین دلیل است که حضرت ابراهیم (ع) از خداوند سؤال می‌کند: «خدای من، به من نشان بده، چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟» این سؤال انسانی است که به معرفت توجه می‌کند و اطاعت را در برابر معرفت قرار نمی‌دهد. ابراهیم (ع) که پدر

فروع دین به صراحت بیان شده است، می‌توان نتیجه گرفت که در عرصه عبادات و احکام نیز چهره دین و تدین عقلانی است. حاصل کلام در این قسمت این است که یکی از مؤلفه‌های تربیت دینی در عصر حاضر عقلانیت است چون که توجه به عقلانی بودن دستورهای دینی، پویایی ویژه‌ای را به آنها می‌دهد و آنها را برای هر عصری منعطف می‌سازد؛ زیرا دستور عقلی کهنه شدنی نیست. جهانی شدن همه محدودیت‌ها و مرزها را در برداشته است. برای مثال نمی‌تواند قاعده‌های اساسی منطق، اخلاق و آرمان را که شالوده خردورزی است نقض کند؛ زیرا دستور عقلی اختصاص به زمان و مکان محدود ندارد. چه در دوره جهانی شدن و چه در دوره پیشامدرن، عقل حکم واحد می‌کند و برای هر دو دوره دستور یکسان دارد (رجائی، ۱۳۸۱). بنابراین تربیت دینی در صورتی می‌تواند در عصر حاضر دوام آورد که چهره‌ایی کاملاً عقلانی داشته باشد.

همواره به اصولی چون آزادی، برابری، عدالت، شرافت، آزادمردی، مردانگی، عدالت اجتماعی، بدبودن ظلم، تساوی حقوق و تکالیف، راستگویی و بسیاری دیگر باورداشته است و آن مفاهیم، ویژه دینی مختص و مکان خاصی نبوده است. این اصول و ارزش‌های عمیق انسانی - اخلاقی که روح ادیان را شکل می‌دهند، در دوره یکپارچگی جهانی نیز تداوم خواهند یافت و تغییر، تحول، مسخ و دگرگونی این اصول کار چندان ساده‌ای نیست. لذا این مفاهیم به گونه‌ای خودکار، پویا و روزآمد می‌شوند و همچنان انتظارات انسانی را برآورده می‌کنند (سید باقری، ۱۳۸۲). در نتیجه در عصر جهانی شدن در برنامه‌های تربیت دینی، باید به این اصول و ارزش‌های مشترک توجه نمود و آنها را در برنامه‌های تربیت دینی به عنوان روح ادیان قرار داد.

۳. مؤلفه‌های تقوای حضور

سومین مؤلفه در تربیت دینی مناسب با عصر حاضر «تقوای حضور است» تقوا یا حفظ خویشتن، گاه با دوری گزیدن و پرهیز میسر می‌گردد. اگر تربیت دینی تنها بر این تقوا استوار باشد نوعی تربیت قرنطینه‌ای تحقق خواهد یافت که در آن، حفظ افراد تنها با قرار گرفتن در محدوده جدا و دور از شرایط منفی میسر است. اما تقوا شکل دیگری دارد که می‌توان از آن به «تقوای حضور» در مقابل «تقوای پرهیز» یاد کرد. با نظر به خصیصه عصر حاضر و ظهور ارتباطات در شکلی که هر روز گسترده‌تر می‌شود «تقوای پرهیز» در برخی قلمروها ناممکن می‌گردد. فضاهایی که بر ما تحمیل می‌شود، امکان پرهیز را از ما می‌گیرد. اما تقوای حضور، همچنان در دسترس ماست و این است که باید چون مؤلفه‌ای اساسی از تربیت دینی در این عصر مورد توجه قرار گیرد. به یک معنا می‌توان گفت که تقوای حضور مفهوم متفاوتی از مرز و مرزگذاری را فراهم کرده است. در تقوای پرهیز مرز صورت «مکانی» دارد. اما در تقوای حضور مرز شکل «مکانتی» می‌یابد، به عبارت دیگر، در حالی که در مرز مکانی فرد را به صورت مکانی و جغرافیایی از شرایط منفی جدا می‌سازیم، در مرز مکانتی او فاصله مکانی نمی‌گیرد، بلکه در عین حضور در مکان، خود را در مرتبت و مکانتی فراتر می‌بیند، بدین طریق از آلودگی شرایط مصون می‌ماند. مفهوم تقوای حضور و مرز مکانتی

۲. توجه به ارزش‌های عمیق انسانی در قالب تربیت دینی جهانی شدن، شاید بتواند بسیاری از افق‌های ادیان را در هم نوردد، ارزش‌های محلی و سنتی را به چالش کشاند و حتی برخی از نگرش‌های اخلاقی را با توجه به ارتباط فرهنگی مسلط غربی، ضعیف سازد، اما جهان‌گستری، هرگز نمی‌تواند ارزش‌های ثابت و عمیق انسانی و اخلاقی را که مربوط به شرف انسانیت است، کمرنگ کند و به ورطه نابودی برد. جهانی شدن شاید بتواند در دیدگاه‌های ارزشی برخی «انسان‌ها» موثر باشد، اما نمی‌تواند در اصل «انسانیت» شک و تردید ایجاد کند که در واقع اساس و شالوده تمدن‌ها بر آنها شکل گرفته است.

همواره یکی از اساسی‌ترین پیام ادیان توجه به همین ارزش‌های ثابت و عمیق انسانی است که در هیچ دوره‌ای زوال نمی‌پذیرند و در هیچ اجتماعی محو نمی‌گردند، چه در جوامع بدوی و پیشامدرن و سنتی و چه در جوامع امروزی و پسامدرن، این اصول وجود دارند و در ژرفای وجدان هر انسانی بوده و هستند، هر چند که سطح آن کم و زیاد می‌شود و حتی تبلیغات گسترده‌ی رسانه‌ای شدیدبرخی از آن مسلمات انسانی را نیز تغییر دهد، اما این پوشش فراگیر اطلاعاتی نمی‌تواند وجدان جمعی و روح جمعی انسان‌ها را متحول سازد؛ این بدین دلیل است که انسان



را با «توده‌ای شناور» از افکار مختلف که در بردارنده هویت‌های مجازی گوناگون است، مواجه کرده‌اند، توصیه قرآن کریم در این موارد تأکید بر «قدرت‌گزینش» انسان و پرهیز از پذیرفتن هویت‌های مجازی غیر واقعی است که با فطرت بشری و علت غایی دین منافات دارند چنانکه خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید: «فبشر عبادی الذین يستمعون القول فیتبعون احسنه» «ای پیامبر بشارت ده کسانی را که اقوال را می‌شنوند و بهترین آنها را تبعیت می‌کنند» (زمر ۱۷). بر این اساس تربیت دینی همواره باید پدیده‌های نوظهور این عصر را مورد ارزیابی و نقادانه قرار دهد و افراد را برای گزینش و طرد منطقی آنها آماده سازد. از این رو به نظر می‌رسد آموختن این نوع مواجهه با پدیده‌ها در قالب تربیت دینی مهم‌ترین زمینه تأمین حضور سالم در متن شرایط است.

۵. بهره‌گیری از عنصر «زیبایی‌شناختی» در تربیت دینی

بزرگ‌ترین و قوی‌ترین عنصر تربیت دینی، وجود عشق و محبت‌متربی به خالق بزرگ است. هدف از تربیت دینی، پرورش شور و شوق فطری کودک نسبت به جلال و جمال الهی است، نه ارائه مستقیم معارف الهی. پس نقش اساسی مربی و معلم دینی، انتقال اطلاعات دینی نیست، بلکه فراهم آوردن شرایطی است که متربی به تجربه درونی - به دین که ریشه در فطرتش دارد - گرایش و علاقه پیدا کند. چنانکه پستالوتسی، مربی معروف سوئسی نیز در کتاب تربیت می‌گوید: «ذات تربیت نه در آموزش بلکه در محبت است» (نقیب زاده، ۱۳۸۱).

هدف از عنصر «زیباشناختی» در تربیت دینی - اخلاقی این است که هر گونه اثر تربیتی در قالب رفتار، کلام، الگو، نصیحت، تجربه و... به پرده‌ای زیبا و با تصاویری دلنشین همراه با لحظات جذبه به درون متربی انتقال داده شود. فطرت «خداگرایی» و «مطلق‌جویی» پس از تولد و در دوران کودکی، رشد خود را آغاز می‌کند و در دوران نوجوانی و جوانی به مراحل کمال می‌رسد، اما در دوران جوانی زمانی جایگاه بایسته و شایسته خود را باز می‌یابد و به بار می‌نشیند که منادیان تربیت دینی زیبایی‌های دین را به گوش جان او رسانده باشند. در اینجاست که پستالوتسی می‌گوید: هزاران هزار انسان (گمراه) با خشنودی بسیار راه درست

در آیه «۱۰۵ مائده» آمده است. بدین صورت که می‌فرماید: «به هسته وجودی خویش رسیدگی کنید و به خودتان بپردازید، در این صورت گمراهان به شما آسیبی نخواهند رساند». بر اساس این مفهوم تلقی ما از تربیت دینی متضمن قرار داشتن در متن جامعه و حضور در عرصه ارتباطات است. در اصل مفهوم تربیت دینی حاکی از آن است که فرد از درون آغاز کند و فشار بیرونی چندان پربها نیست و این مطلب از قرآن کریم نیز بر می‌آید آنجا که می‌فرماید: «فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلاً» «پس هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند» (انسان، ۲۸۰). در اینجا سخن از خواستن فرد است. هر کس بخواهد گام در راه می‌گذارد. راه تربیت دینی رفتنی است نه بردنی. به هر حال، با نظر به تجربه درونی و التزام درونی که در تربیت دینی نهفته است و با نظر به تقوای حضور که حاصل آن است می‌توان گفت در بدترین شرایط اجتماعی نیز می‌توان از تربیت دینی سخن گفت. عصر ارتباطات و چالش‌هایی که با خود می‌آورد مانع تربیت دینی نیست.

۴. سنجش و بررسی درست امور و گزینش و طرد منطقی و نه احساسی آنها

این ویژگی، در واقع خود پشته‌های برای تقوای حضور در شرایط عصر حاضر است. لازمه حضور فعال در عصر حاضر ارزیابی اطلاعات و رویدادهای اجتماعی است. چون که معتقدیم نمی‌توان چشم را بر حقایق بست؛ بلکه باید با دیدی باز و دقیق به سراغ اتفاقات امروز جهان رفت و آنها را در بوته‌ی نقد و بررسی قرار داد و موضعی مناسب بر اساس اصول و معیارهای دینی در برابر آنها اتخاذ کرد.

اما، ارزیابی و نقادانه، مستلزم بازشناسی جنبه‌های مثبت و منفی پدیده‌های این دوران است. طرد یکباره و تمام عیار هر آنچه متعلق به این دوران است نه تنها ممکن نیست، بلکه مطلوب هم نیست؛ زیرا این گونه طرد تمام عیار، در دامن خود، پذیرش تمام عیار را می‌پروراند. اگر تربیت دینی بنا را بر طرد تمام عیار مظاهر عصر حاضر بگذارد، وجهه‌ای غیر منصفانه و دور از واقع خواهد داشت. بنابراین گرچه در عصر جهانی شدن رسانه‌های جمعی و فناوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی بشر امروز

جدول شماره ۷: راهکارهای تقابل احتمالی جهانی شدن با تربیت دینی

صاحب نظر / مؤلف	راهکارهای تقابل احتمالی جهانی شدن با تربیت دینی
باقری، ۱۳۷۹، رجائی، ۱۳۸۱ ملکی ۱۳۸۰ و سادات ۱۳۸۰	کاربرد اصل تعقل و پرهیز از سطحی‌نگری
سید باقری، ۱۳۸۲	توجه به ارزش‌های عمیق انسانی در قالب تربیت دینی
باقری، ۱۳۷۹، عالی، ۱۳۸۱	مؤلفه‌ی تقوای حضور
باقری، ۱۳۷۹، عطاران، ۱۳۸۲	سنجش و بررسی درست امور و گزینش و طرد منطقی و نه احساسی آنها
نقیب زاده، ۱۳۸۱ انصاری، ۱۳۸۲	بهره‌گیری از عنصر «زیبایی‌شناختی» در تربیت دینی

و چنان بر جذابیت پیام می‌افزاید که به آسانی بر قلب انسان می‌نشیند. بنابراین شایسته است به خصوص در عصر جهانی شدن تدبیری بیاندیشیم که تعلیم و تربیت دینی برای جوانان جذاب باشد، به طوری که آنان از روی آگاهی، انتخاب، اختیار و اشتیاق به دین روی آورند (انصاری، ۱۳۸۲).

بحث و نتیجه‌گیری

در اینجا به بحث و نتیجه‌گیری چهار سؤال مورد بررسی، پرداخته شده است:

در خصوص اینکه «جهانی شدن چیست» می‌توان گفت جهانی شدن از جمله موضوعاتی است که به دلیل ماهیت سیال و همچنین چند وجهی بودن دارای ابهامات و تعاریف متفاوتی است (دهشیری، ۱۳۷۹) که تعریف‌های ارائه شده را می‌توان در دو دسته قرارداد. از دیدگاه اول جهانی شدن فرایندی است که از طریق گسترش ارتباطات و اطلاعات و در نتیجه فروریزی دیوارهای طبیعی و فاصله‌های زمانی و مکانی پیش می‌رود (رابرتسون؛ ترجمه پولادی، ۱۳۸۰؛ پراتون ۱ به نقل از بهکیش، ۱۳۸۰؛ مک‌گرو، ۱۹۹۲؛ مارتین آلبرو، ۱۹۹۶؛ دیوید هاروی، ۱۹۸۹). از دیدگاه دوم جهانی شدن پروژه‌ای دقیقی است که با هدف بسط و تحمیل گفتمان مسلط بر جهان طراحی شده و مجریان آن که عمدتاً قدرت‌های بزرگ و صاحبان ثروت با تکیه بر انقلاب اطلاعات و فشرده‌گی زمان و مکان هستند در پی رسیدن به اهدافشان می‌باشند (سرژلاتوش، ۱۳۷۹؛ مارتین خور؛ شولت، ۲۰۰۰).

با این حال بر اساس دیدگاه‌های ارائه شده، می‌توان اشتراکات چندی را از میان تمامی این دیدگاه‌ها و برداشت‌های مختلف

را در پیش می‌گرفتند، اگر می‌دانستند که چگونه در این راه گام بگذارند، اگر نیرو و انگیزه‌های می‌داشتند و اگر دستی برای یاری به سویشان دراز می‌شد (نقیب زاده، ۱۳۸۱).

جوان چون دارای روح استدلال کردن است و برهان‌گرایی جزء فطرت اوست، سخن منطبق با روح حساس و منطبق بر استدلال و برهان را رد نمی‌کند. خداگرایی و زیبایی دینی در تربیت دینی جلوه‌گاه شایستگی‌ها می‌گردد؛ زیرا خداگرایی جزو سرشت حق‌گرای اوست. تکیه بر زیبایی‌ها در کلام معصومین (ع) فراوان است؛ امام علی (ع) می‌فرماید:

«خداوند انواع پدیده‌ها را آفرید، برای هر کدام اندازه‌ای تعیین کرد و هر پدیده‌ای را در زیباترین شکل طراحی کرد و چه نیکو صورتگری فرمود.»

هنر دینی نیز کوششی برای خلق زیبایی‌های معنوی است که همان گشودن کتاب آفرینش است. با توجه به طبیعت خاص انسان که از هنر و زیبایی لذت می‌برد پس برای انتقال پیام‌ها در تربیت دینی و مسائل مربوط به امور دینی باید از روش‌های هنری و زیباشناختی استفاده کرد. قرآن کریم این قضیه را که کاربرد هنر در القاء و تغییر افکار تأثیر فراوانی دارد، به خوبی جلوه‌گر ساخته و می‌فرماید:

«سامری، دشمن موسی (ع) با زر و زیور آنها گوساله‌ای ساخت که صدایی شگفت داشت و آن را خدای موسی معرفی کرد و بدین ترتیب پیروان موسی را به انحراف کشاند.»

خداوند حکیم در بسیاری از موارد پیام آسمانی خود را در دل دانستان‌ها و آن هم به صورت دیالوگی و غیر مستقیم ابلاغ می‌کند که از این رهگذر روح و جان انسان را نوازش می‌دهد

درباره جهانی شدن اتخاذ کرد.

۱. جهانی شدن یعنی گسترش مؤلفه‌های مدرنیته در سطح جهان.
۲. جهانی شدن یعنی حرکت آزادانه سرمایه در گستره جهانی.
۳. جهانی شدن یعنی از بین بردن مفهوم مرزهای فعلی.
۴. جهانی شدن یعنی محدود شدن میزان اقتدار حاکمیت‌های جهان.

۵. جهانی شدن یعنی کوچک شدن جهان در اثر پیشرفت وسائل ارتباطات جهانی و گسترش اطلاعات در سطح جهان. براساس وجوه مشترک تعریف ذیل از جهانی شدن مبنا قرار گرفته است:

«جهانی شدن عبارتست از: فرآیند فشردگی فزاینده زمان و فضا که بواسطه آن مردم دنیا کم و بیش و به صورت نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند» (گل محمدی، ۱۳۸۱). از مباحث فوق روشن است که نتایج حاصل با دیدگاه‌های (رابرتسون؛ ترجمه پولادی، ۱۳۸۰؛ پراتون ۱ به نقل از بهکیش، ۱۳۸۰؛ مک گرو، ۱۹۹۲؛ مارتین آلبرو، ۱۹۹۶؛ دیوید هاروی، ۱۹۸۹) موافق و با دیدگاه‌های (سرژلاتوش، ۱۳۷۹؛ مارتین خور؛ شولت، ۲۰۰۰) مخالف است.

در خصوص «تربیت دینی چیست و آیا می‌توان در عصر جهانی شدن از تربیت دینی صحبت کرد؟» ابتدا به تحلیل مفاهیم تربیت، دین و دینی بودن پرداخته‌ایم. از تحلیل مفهوم تربیت این نتیجه حاصل شد که مفهوم تربیت آنقدر انعطاف پذیر نیست که ما را از لحاظ روشی محدود به حدی نکند و تربیت حقیقی از چهار مؤلفه تبیین، عرضه معیارها، تحرک درونی و نقادی برخوردار است (باقری، ۱۳۷۹؛ شریعتمداری، ۱۳۷۸) که به نظر می‌رسد با تعریف آقای نقیب‌زاده از تربیت در کتاب «نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش» موافق باشد. البته تعاریف دیگری نیز از تربیت نقل شده که چون از معیاری برخوردار نیست مورد قبول نمی‌باشد.

سپس به تحلیل مفاهیم دین و تدین پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم که ارائه یک تعریف جامع از دین که همه ادیان را دربر گیرد دشوار است با این حال این تعریف از دین را ارائه کرده‌ایم که دین عبارت است از: مجموعه‌ای از گزاره‌های توصیفی و تجویزی که از طرف خدا به انسان داده شده است.

از تحلیل مفهوم تدین با دینی بودن این نتیجه حاصل شد که تدین ناظر به دگرگونی‌هایی است که دین در وجود یک فرد ایجاد می‌کند و تدین نیز از چهار ویژگی برخوردار است: ۱- مؤلفه اعتقادی و فکری ۲- تجربه درونی ۳- التزام درونی ۴- عمل (باقری، ۱۳۷۹؛ مایکل پترسون و دیگران، ترجمه احمد نراقی، ۱۳۷۷؛ زارعان، ۱۳۷۹).

با توجه به این سه مفهوم به بررسی تربیت دینی پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم که تربیت دینی در مفهوم اصیل آن عبارت است از اینکه تدین در ارتباطی از نوع تربیت در فرد شکل گیرد. به عبارتی دیگر؛ مؤلفه‌های تدین باید در بستر تبیین، عرضه معیارها، تحرک درونی و نقادی جریان یابد. پس می‌توانیم بگوییم تربیت دینی عبارت است از: تحول انسان موجود به انسان مطلوب در پرتو آموزه‌های دینی به طوری که آنها را بفهمد، بپذیرد، دوست بدارد و عمل کند.

پس از تعریف تربیت دینی نشان دادیم که در صورت ترکیب مؤلفه‌های تدین و تربیت در عصر جهانی شدن نیز می‌توان از تربیت دینی صحبت کرد.

در خصوص «چالش‌های احتمالی جهانی شدن برای تربیت دینی چیست؟» باید گفت که این پدیده چالش‌های زیادی را برای تربیت دینی ایجاد می‌کند ولی مهم‌ترین و بنیادی‌ترین چالش جهانی شدن برای تربیت دینی، خصیصه ساخت‌شکنی آن می‌باشد، از جمله ساختارهای واقعی و مفهومی متقابل، که برای تربیت دینی و اخلاقی اهمیت داشته‌اند می‌توان از ساختارهای «دور - نزدیک» و نیز «ممنوع - مجاز» نام برد که در برابر موج ساخت‌شکنی انقلاب ارتباطات متزلزل می‌گردند.

در خصوص راهکارهای مقابله با چالش‌های احتمالی جهانی شدن در حوزه تربیت دینی چیست؟

۱. کاربرد اصل تعقل و پرهیز از سطحی‌نگری در قالب تربیت دینی
۲. توجه به ارزش‌های عمیق انسانی در قالب تربیت دینی
۳. مؤلفه تقوای حضور در قالب تربیت دینی
۴. سنجش و بررسی درست امور، گزینش طرد منطقی و نه احساسی آنها در قالب تربیت دینی
۵. بهره‌گیری از عنصر زیبایی‌شناختی در قالب تربیت دین.

منابع:

- عطاران، محمد. (۱۳۸۴). جهانی شدن و تأثیر آن بر اهداف تعلیم و تربیت. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. دانشگاه تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- عطاران، محمد. (۱۳۸۲). فناوری اطلاعات و تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات مدارس هوشمند.
- کاستلز، امانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات. ترجمه حسین چاووشیان، جلد دوم. تهران: انتشارات طرح نو.
- کاشفی، محمد رضا. (۱۳۸۲). مبانی فلسفی و قرآنی جهانشمولی اسلام. مجموعه مقالات جهانشمولی اسلام و جهان سازی، جلد ۳، چاپ اول. تهران: انتشارات مجمع تقریب مذاهب اسلامی.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۱). جهانی شدن، فرهنگ، هویت. چاپ اول. تهران: نشرنی.
- مائورو کلیمن. (۱۳۸۰). جهانی شدن تمدن ساز، مخرب یا ناتوان. ترجمه محمود دیبایی، ماهنامه آفتاب: انتشارات قصیده.
- مایکل، پترسون و دیگران. (۱۳۷۷). عقل و اعتقاد دینی. ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، چاپ دوم. تهران: انتشارات طرح نو.
- محسن پور، بهرام. (۱۳۷۹). تدریس مؤثر تربیت دینی. یک کتاب در یک مقاله. چاپ اول. تهران: نشر تربیت اسلامی.
- ملکی، حسن. (۱۳۷۹). تربیت عقلانی در نهج البلاغه و دلالت‌های آموزش آن. مجموعه مقالات تربیت اسلامی مرکز مطالعات تربیت اسلامی وابسته به معاونت پرورشی آموزش و پرورش.
- مهرمحمدی، محمود و صمدی، پروین. (۱۳۸۲). بازنگری در الگوی آموزش دینی جوانان و نوجوانان در دوره تحصیلی متوسط. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۳.
- نقیب زاده، میر عبدالحسین. (۱۳۸۱). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. چاپ پانزدهم. تهران: انتشارات طهوری.
- واترز، مالکوم. (۱۳۸۱). جهانی شدن. ترجمه اسماعیل مردانی و سیاوش مریدی. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- ولایتی، علی اکبر. (۱۳۸۱/۸/۴). ارتباطات و جهانی شدن. روزنامه قدس.
- Allbrow, M. (1996) The global Age: polity press.
- Giddens, A and Hutton, W. (ed) (2001) on the edge. Living with Global capitalism. London. p. 64.
- Harvy, D. (1989) the condition of postmodernity. Oxford.
- McGrew, A. (1992) conceptualizing global politics. Cambridge p 23.
- Ravat, Khadija (2001) Education in the Quran and sunnah with special reference to woman's education. muslim education quarterly. vol. 19. No. 1.
- Scholte, J. A. (2000) Globalization Acritical. introduction. London. P. 12.
- Smith, M. K. (2002) globalization and incorporation of education. www.infed.org/biblio/Globalization.Htm1.
- Waters, M. (1995) globalization. London. Routledge. p. 2.
- Woodbarry, D. (2000) the globalization question Europe. Dee available on: www.wacsf.org/library/readings/bib/asilomar.htm1.
- اسماعیلی یصحانی، سعید. (۱۳۸۱). جهانی سازی و استراتژی مقاومت. فصلنامه کتاب نقد. شماره ۲۴ و ۲۵.
- انصاری، طاهره. (۱۳۸۲). راهبردهای اساسی و روشهای کارآمد در برنامه های آموزش و پرورش برای نیل به تربیت دینی مناسب دانش آموزان، مجموعه مقالات آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش. چاپ اول. تهران: مؤسسه محراب قلم.
- باقری، خسرو. (۱۳۷۹). تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم؛ تربیت اسلامی (کتاب سوم). تهران: مرکز مطالعات تربیت اسلامی وابسته به معاونت پرورشی آموزش و پرورش.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۰). چیستی تربیت دینی. چاپ اول. تهران: انتشارات تربیت اسلامی.
- براند، واتسون. (۱۳۸۰). تدریس مؤثر تربیت دینی. ترجمه محسن بهرام پور.
- برخوردار، رمضان. (۱۳۸۴). بررسی تحلیلی روشهای تربیت دینی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- بست، جان دلبلیو. (۱۳۷۹). روش های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری. ترجمه حسن پاشا شریفی و نرگس طالقانی.
- بهکیش، محمد مهدی. (۱۳۸۰). اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن. تهران: نشرنی.
- جواد، املی. (۱۳۸۱). نسبت دین و دنیا: بررسی و نقد نظریه سکولاریسم. قم: انتشارات اسراء.
- خسروی، محبوبه و ابراهیمی، زهرا. (۱۳۸۲). فناوری آموزشی و جهانی شدن مجموعه مقالات همایش جهانی شدن (بیم ها و امیدها). تهران: انتشارات حدیث امروز.
- دلشادتهرانی، مصطفی. (۱۳۷۸). ماه مهر پرور تربیت در نهج البلاغه. تهران: انتشارات خانه اندیشه جوان.
- رابرتسون، دونالد. (۱۳۸۰). جهانی شدن. ترجمه کمال پولادی. تهران: نشر ثالث.
- زارعان، محمد جواد. (۱۳۷۹). تربیت دینی، تربیت لیبرال. مجله معرفت، شماره ۳۳.
- سادات، محمد علی. (۱۳۸۰). اخلاق اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
- سجادی، عبدالقیوم. (۱۳۸۲). استراتژی کلان جامعه دینی در برخورد با جهانی شدن. نشریه پگاه، شماره ۴۷.
- سیدباقری، سید کاظم. (۱۳۸۲). جهانی شدن و پویایی انتظارات از دین. از سری مقالات جهانی شدن و دین، چالش ها و فرصت ها، چاپ اول. قم: انتشارات احیایگران.
- شاملی، عباسعلی. (۱۳۸۶). درآمدی مفهوم شناختی در قلمرو تربیت دینی. مجلات حوزه و دانشگاه، شماره ۳۲.
- شاه سنایی، محمدرضا. (۱۳۸۰). تبیین و ارزیابی تکثر گرایی فرهنگی و تأثیر آن بر تربیت اخلاقی و مذهبی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۷۸). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شمشری، بابک. (۱۳۸۲). بررسی تحلیلی پیامدهای ناشی از گرایش افراطی به آموزش مجازی و فناوری ارتباطی و اطلاعاتی.
- شمشیری، بابک. (۱۳۸۴). تبیین امکان جهانی شدن و رویکرد تربیت دینی متناسب با آن از منظر مدرنیسم پست مدرنیسم و عرفان اسلامی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. دانشگاه تهران.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۶۳). دین و انسان، قم، چاپ اول: انتشارات بی تا.
- عالی، مرضیه. (۱۳۸۲). تبیین فرصت ها و چالش های جهانی شدن برای آموزش و پرورش ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.